

بررسی تاثیر سرمایه فکری بر رعایت تعهدات اجتماعی و بهبود عملکرد در شرکتها

فهیمة نفر^۱، کیمیا امیری^۲، محمدرضا عبدلی^۳

۱- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

fncom1365@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

brcom1366@gmail.com

۳- دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

mra830@yahoo.com

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی تاثیر سرمایه فکری بر رعایت تعهدات اجتماعی و بهبود عملکرد در شرکتها می باشد. روش تحقیق توصیفی همبستگی و با استفاده از داده های پس رویدادی و با روش استقرایی بوده است. جامعه ی آماری این تحقیق را تمامی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می دادند. نمونه تحقیق شامل بخشی از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که داده های مالی سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ استخراج شده بودند؛ تشکیل می دادند. روش تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری در نرم افزار ایویوز انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد که؛ **فرضیه اول** سطح معناداری مربوط به آماره **t** متغیر مستقل بیانگر این است که این رابطه از لحاظ آماری معنادار است. همچنین با توجه به این که سطح معناداری متغیرهای مستقل نیز کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه پژوهش براساس آمار (آماره **t**) و از لحاظ معنایی معنادار است که در نتیجه نشان دهنده تایید شدن فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. سطح مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می دهد که اهرم مالی و ارزش بازار به دقتی سهام رابطه منفی و معناداری با عملکرد دارند؛ در حالی که رابطه اندازه شرکت و عملکرد معنادار نشد. **فرضیه دوم** سطح معناداری مربوط به آماره **t** متغیر مستقل بیانگر این است که این رابطه از لحاظ آماری معنادار است. همچنین با توجه به این که سطح معناداری متغیرهای مستقل نیز کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه پژوهش براساس آمار (آماره **t**) و از لحاظ معنایی معنادار است که در نتیجه نشان دهنده تایید شدن فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. با ورود متغیر تعدیلی تعهدات اجتماعی نقش تعدیلی بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد دارد. سطح مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می دهد که اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با عملکرد دارد؛ در حالی که رابطه اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به دقتی سهام با عملکرد معنادار نشد.

واژگان کلیدی: سرمایه فکری، تعهدات اجتماعی، بهبود عملکرد

۱- مقدمه

مفهوم "مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها" در زمره مفاهیم اخلاق کسب و کار مطرح است و به نقشی که شرکت‌ها در حوزه اجتماعی برعهده دارند مربوط می‌شود. شرکت‌ها برای اینکه در کسب و کار خود موفق باشند باید مسئولیت خود را در قبال جامعه و تمام کسانی که تحت تأثیر فعالیت‌های سازمان قرار می‌گیرند رعایت کنند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷).

مسئولیت اجتماعی شرکت به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که صاحبان سرمایه بنگاه‌های اقتصادی به صورت داوطلبانه به عنوان یک عضو مؤثر و مفید در جامعه انجام می‌دهند. در مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است که منافع کلیه ذی‌نفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه، در سیاست‌ها و عملکرد سازمانی منعکس گردد. به عبارت دیگر سازمان باید همواره خود را جزئی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت، تلاش کند (فروغی و همکاران، ۱۳۸۷).

بنابراین مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) و افشاگری مرتبط با آن عامل ضروری است که به تداوم شرکت‌ها منجر می‌شود؛ زیرا همه شرکت‌ها ارتباط‌هایی با جامعه دارند. لذا جامعه از فعالیت‌ها و رفتار شرکت‌ها بهره می‌گیرد و بقای شرکت‌ها را در درازمدت فراهم می‌آورد.

تئوری مشروعیت بیان می‌کند میان شرکت‌ها و جامعه‌ای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند قراردادی اجتماعی وجود دارد، شرکت‌ها در برابر کل جامعه، نسل‌های آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند و سیستم حاکمیت‌شرکتی اهرم تعادل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای شرکت‌هاست که تضمین می‌کند آن‌ها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذی‌نفعان انجام می‌دهند و در تمام زمینه‌های فعالیت تجاری، به صورت مسئولانه عمل می‌کنند. همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذی‌نفعان برآورده کرد (کلارکسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۳).

سرمایه فکری موضوع جدیدی است که به لحاظ نظری جایگاه ویژه‌ای را در سطح جهانی به خود اختصاص داده است و به عنوان منبعی پرازش برای سازمان‌ها و شاخصی در توسعه‌یافتگی کشورها و سرمایه‌ای کلیدی در رشد کار آفرینی به حساب می‌آید. امروزه ضرورت توسعه و مدیریت سرمایه فکری به یک الزام جدی هم در سطح ملی و هم در عرصه کسب و کار تبدیل شده است. به ویژه شرایط اقتصادی جدید، کشورها را به فکر ایجاد چارچوب‌ها و راهکارهای جدید اقتصادی و توسعه ظرفیت‌های موجود و توسعه سرمایه ارتباطی انداخته است و رقابت شدیدی را در دستیابی به منابع و بازارهای رقابتی در این زمینه را نمایان می‌کند تا جایی که امروزه عرصه رقابت جهانی، بر عناصر سرمایه فکری تأکید نموده و سازمان‌های بین‌المللی به طرح چارچوب‌های جهانی برای مدیریت سرمایه فکری می‌پردازند. بر این اساس، سنجش سرمایه فکری هم در سطح کلان و هم در سطح خرد به ضرورتی غیرقابل انکار برای پذیرش و رقابت در بازارهای بین‌المللی و به عنوان شرطی برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده است (بنتیس^۲، ۲۰۰۴).

¹ Clarkson² Bontis

در تعریفی ساده، سرمایه فکری عبارت است از «تفاوت بین ارزش بازار و ارزش دفتری دارایی‌های یک شرکت». طبق این تعریف، سرمایه فکری، فرآیندها و دارایی‌هایی هستند که معمولاً در ترازنامه منعکس نمی‌شوند. رشد و شکوفایی اقتصاد هر کشوری به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب بستگی دارد. هدایت صحیح جریان‌های نقدی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مناسب باعث رشد اقتصادی، افزایش تولید ناخالص ملی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد سرانه و نهایتاً رفاه عمومی خواهد شد. بدون شک، عمده‌ترین اقدام در جهت تشویق مردم به سرمایه‌گذاری یا خرید سهام شرکت‌ها، بهبود شاخص‌های عملکرد و کاهش ریسک شرکت‌هاست. در این میان، عوامل مختلفی می‌توانند بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار باشند (چاتو^۳ و همکاران، ۲۰۰۷).

سرمایه‌گذاران و به ویژه سهامداران نیازمند معیارهایی هستند که بتوانند عملکرد مدیریت شرکت را به درستی ارزیابی کنند. قدیمی‌ترین و مهمترین رویکردهای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها، ارزیابی مالی شرکت‌ها بوده و غالباً مبتنی بر صورت‌های مالی است (انوار رستمی و قدرتیان کاشان، ۱۳۸۳). بررسی عوامل تعیین کننده عملکرد مالی می‌تواند سبب بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تخصیص بهینه منابع شود. در واقع با مشخص شدن عوامل تأثیرگذار بر عملکرد مالی شرکت‌ها، ذهنیت سرمایه‌گذاران در خصوص شرکت‌ها اصلاح خواهد شد. معیارهای اندازه‌گیری عملکرد را با توجه به مفاهیم حسابداری و مفاهیم اقتصادی می‌توان به دو دسته حسابداری و اقتصادی تقسیم کرد. در معیارهای حسابداری، عملکرد شرکت با توجه به داده‌های حسابداری ارزیابی می‌شود در حالی که در معیارهای اقتصادی، عملکرد شرکت با توجه به قدرت کسب سود دارایی‌های موجود و سرمایه‌گذاری بالقوه و با عنایت به نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه ارزیابی می‌گردد (شورورزی و آزادوار، ۱۳۸۹).

با توجه به مطالب اشاره شده، سوال‌های پژوهش به شرح زیر طراحی و تدوین می‌گردند:

➤ آیا سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر دارد؟

➤ آیا تعهدات اجتماعی بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد شرکت‌ها نقش تعدیلی دارد؟

۲- بیان مسئله

تعریف سرمایه فکری

سرمایه فکری، زاده عرصه علم و دانش است. و این واژه در دوران تکوین خود به سر می‌برد. این مفهوم برای نخستین بار، در سال ۱۹۹۱ مطرح شد. یعنی زمانی که شرکت بزرگ سوئدی اسکاندیا شروع به اجرای مجموعه‌ای از روش‌های نوآورانه علمی برای توجه ویژه به دارایی‌های نامحسوس خود کرد. هرچند قبل از آن اصطلاح «سرمایه فکری» را جان کنت گالبرایت، در سال ۱۹۶۹ بکار برده بود. پیش از آن، پیتراکرا اصطلاح «کارگران دانشی» را بکار برد (فیوال^۴، ۱۹۷۵).

در تعریفی ساده، سرمایه فکری عبارت است از «تفاوت بین ارزش بازار و ارزش دفتری دارایی‌های یک شرکت». طبق این تعریف، سرمایه فکری، فرآیندها و دارایی‌هایی هستند که معمولاً در ترازنامه منعکس نمی‌شوند. مفهوم سرمایه فکری همیشه مبهم بوده است و تعاریف مختلفی برای تفسیر این مفهوم مورد استفاده قرار گرفته است که در ادامه تعاریف مختلفی در مورد سرمایه فکری گفته شده است:

۱. تیس (۱۹۹۸): منابع خاص سازمانی که کپی برداری از روی آن‌ها غیرممکن نباشد بسیار مشکل است.

³ Chathoth

⁴ Feival

۲. بنتیس (۱۹۹۶): سرمایه فکری فراهم کننده یک پایگاه منابع جدید است که از طریق آن سازمان می‌تواند به رقابت بپردازد.
۳. مارتین (۲۰۰۰): سرمایه فکری را می‌توان به عنوان مواد فکری که برای تولید یک دارایی با ارزش بالا، رسمی شده، تسخیر و بکار رفته می‌شود، تعریف نمود.
۴. بروکینگ (۱۹۹۶): سرمایه فکری اصطلاحی برای ترکیب دارایی ناملموس بازار، دارایی فکری، دارایی انسانی و دارایی زیرساختاری است که سازمان را برای انجام فعالیت‌هایش توانمند می‌سازد.
۵. مارتینز تورس (۲۰۰۶): سرمایه فکری، دارایی نامشهود یک سازمان است که در بیانیه‌های مالی ثبت نمی‌شوند اما ممکن است ۸۰٪ ارزش بازار یک سازمان را تشکیل دهند.

عملکرد شرکت‌ها

رشد و شکوفایی اقتصاد هر کشوری به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب بستگی دارد. هدایت صحیح جریان‌های نقدی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مناسب باعث رشد اقتصادی، افزایش تولید ناخالص ملی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد سرانه و نهایتاً رفاه عمومی خواهد شد. بدون شک، عمده‌ترین اقدام در جهت تشویق مردم به سرمایه‌گذاری یا خرید سهام شرکت‌ها، بهبود شاخص‌های عملکرد و کاهش ریسک شرکت‌هاست. در این میان، عوامل مختلفی می‌توانند بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار باشند (چاتو^۵ و همکاران، ۲۰۰۷).

سرمایه‌گذاران برای انجام سرمایه‌گذاری‌های خود به اطلاعات مالی نیاز دارند تا بتوانند سرمایه‌گذاری‌های مناسبی انجام دهند. صورت‌های مالی نقش عمده‌ای در تشریح وضعیت مالی و عملکرد مالی شرکت‌ها دارند. تجزیه و تحلیل درست عوامل موثر بر عملکرد مالی شرکت‌ها می‌تواند سرمایه‌گذاران را در جهت اتخاذ تصمیمات بهینه کمک کند. علاوه بر آن آشنایی مدیران با عوامل موثر بر عملکرد شرکت‌ها نیز موجب خواهد شد تا آنان تصمیماتی را اتخاذ نمایند که بهترین تصمیم برای شرکت تابعه آنان باشد. مفاهیم مالی اصول نظری مدیریت استراتژیک بیانگر این موضوع هستند که شرکت‌ها قبل از اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه‌گذاری‌های خود باید منابع مالی خود را بررسی کرده، وجوه خود را به نحوی تخصیص دهند که ضمن گردش عملیات شرکت در کوتاه‌مدت، موفقیت بلندمدت خود را در نظر گرفته باشند. در این راستا، بررسی همه جانبه و کلی عوامل اثرگذار بر عملکرد شرکت ضروری به نظر می‌رسد. برخی از این عوامل ناشی از محیط فعالیت شرکت هستند که در سطوح کلان، صنعت و خود شرکت می‌توانند بر کارایی و سودآوری شرکت موثر واقع شوند. عامل دیگر، سیاست‌های تدوین شده توسط مدیریت عالی است که بر عملکرد شرکت موثر هستند. علاوه بر آن ساختار سرمایه نیز از طریق هزینه سرمایه و ریسک ناشی از وام‌گیری می‌تواند بر عملکرد شرکت تأثیرگذار باشد (اولسن^۶ و همکاران، ۱۹۹۸).

سودآوری و عملکرد مطلوب یک شرکت، ثروت صاحبان سهام و اعتباردهندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این در حالیست که این دو گروه (سهامداران و اعتباردهندگان) دارای تضاد منافع با یکدیگر بوده، به سودآوری و عملکرد شرکت از دیدگاه‌های متفاوتی توجه می‌کنند (کاپون^۷ و همکاران، ۱۹۹۰).

⁵ Chathoth

⁶ Olsen

⁷ Capon

معیارهای حسابداری از قبیل: بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، بازده فروش و بازده سرمایه. این معیارها بیانگر میزان رضایتمندی صاحبان سهام هستند. از طرف دیگر، برای ارزیابی عملکرد شرکت باید به میزان رضایتمندی اعتباردهندگان نیز توجه نمود. معیارهای مالی مورد استفاده برای سنجش رضایت اعتباردهندگان معمولاً جریان‌های نقدی یک شرکت هستند.

از دیدگاه برون و ایچ هلنز (۲۰۰۱)، در محاسبه نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، با توجه به این که سود خالص ممکن است دربرگیرنده اقلام غیرمترقبه باشد، لذا احتمال فریبنده بودن تجزیه و تحلیل بازدهی حقوق صاحبان سهام وجود دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که سود پس از کسر مالیات، چون دربرگیرنده اقلام غیرمترقبه نیست، برای تجزیه و تحلیل بازدهی حقوق صاحبان سهام به صورت شفاف‌تر عمل کند (دریک و پیت^۸، ۲۰۰۱).

از طرف دیگر، عموماً هدف شرکت‌ها به حداکثر رسانیدن ثروت سهامداران است و سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، استقراض از بانک‌ها و موسسات اعتباری، صدور اوراق قرضه و اخذ بدهی‌های کوتاه‌مدت نیز در راستای به حداکثر رسانیدن ثروت سهامداران انجام می‌گیرد.

جریان نقد آزاد برای شرکت، معیاری است که سودآوری شرکت، را پس از همه هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها اندازه‌گیری می‌کند. معیار مزبور یکی از معیارهای متعددی است که برای مقایسه و تجزیه و تحلیل سلامت مالی شرکت‌ها استفاده می‌شود (مندلکر و رهی^۹، ۱۹۸۴).

مقدار مثبت جریان نقد آزاد برای شرکت نشان می‌دهد که شرکت پس از پرداخت هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها دارای وجوه نقد مازاد است. از طرف دیگر، مقدار منفی نشان می‌دهد که شرکت درآمد کافی به منظور پوشش هزینه‌ها و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری‌اش ایجاد نکرده است. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران باید در ارزیابی دلایل این رویداد، به کاوش‌های عمیق‌تری بپردازند. این امر می‌تواند علامتی از مشکلات حادث شرکت مورد رسیدگی باشد.

کارایی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد بهینه واحدهای اقتصادی است. اندازه‌گیری و ارزیابی کارایی و بهره‌وری از آن جهت که نتایج را به صورت کمی بیان می‌کند بهترین وسیله کنترل و ارزیابی عملکرد هر سازمان به شمار می‌رود. در طی سال‌های گذشته مدل‌های مختلفی برای اندازه‌گیری کارایی ابداع شده است، که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی مدل‌های سخت با تکیه بر داده‌های کمی و عینی (مدل‌های تحقیق در عملیات، مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، مدل تحلیل پوششی داده‌ها، تاکسونومی عددی) و همچنین مدل‌های نرم با تأکید بر داده‌های ذهنی و کیفی (تجزیه و تحلیل سلسه مراتبی، روش دلفی، گروه‌های اسمی) تفکیک کرد. مشکل اصلی که به تحلیل نسبتی صورت‌های مالی وارد می‌شود این موضوع است که هر یک از نسبت‌های مالی یک بعد از عملکرد مالی سازمان را ارزیابی می‌کند؛ درحالی که تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها با تجمیع نسبت‌ها، نمره واحدی را به نام «کارایی» به هر واحد مورد بررسی اختصاص می‌دهد (خواجهی و همکاران، ۱۳۸۹).

بر اساس اطلاعات مربوط به متغیرهای ورودی (نهاد) و خروجی (ستانده)، متغیر عملکرد شرکت‌ها اندازه‌گیری شده است و افزون بر کشف ارتباط متقابل ساختار سرمایه با کارایی شرکت‌ها، به ارتباط ساختار مالکیت و عملکرد شرکت نیز پرداخته شده است. رابطه ساختار مالکیت با عملکرد شرکت‌ها در کشورهایی مانند ایران که سیاست خصوصی-سازی را دنبال می‌کنند، حائز اهمیت بالایی است.

^۸ Drick and Piet^۹ Mandelker and Rhee

امیدی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی شرکت بر عملکرد اجتماعی و واکنش‌های مصرف کننده در صنایع غذایی پرداختند. برای پاسخ به سؤال پژوهش، بررسی فرضیه ها و تجزیه و تحلیل یافته های جمع آوری شده، از آمار توصیفی و آمار استنباطی با نرم افزارهای SPSS و Amos استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، تمامی فرضیه های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد. به علاوه، نتایج پژوهش نشان داد که مدل پژوهش با داده های جمع آوری شده از جامع آماری مورد نظر برازش دارد. بدین ترتیب مسئولیت اجتماعی هم بطور مستقیم و هم با میانجیگری عملکرد اجتماعی و واکنش های مصرف کننده، بر عملکرد مالی تأثیر می گذارد.

مومنی طاهری و صادقی (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و عملکرد مالی با تاکید بر ادوار تجاری: تحلیلی از شرکت‌های سهام محور و بدهی محور پرداختند. نتایج با استفاده از الگوی GMM نشان می دهد در هر دو گروه از شرکت ها، ساختار سرمایه اثر منفی و معناداری بر عملکرد مالی شرکت ها دارد. البته این اثر منفی در شرکت های بدهی محور، بزرگ تر است. همچنین واکنش عملکرد مالی شرکت ها نسبت به رکود اقتصادی در شرکت ها با ساختار سرمایه بدهی محور نسبت به سهام محور، شدیدتر است. به عبارت دیگر، در دوران رکود اقتصادی شرکت ها با ساختار سرمایه سهام محور از عملکرد بهتری برخوردارند. بر اساس نتایج، پیشنهاد می شود شرکت ها به منظور داشتن الگوی تامین مالی مناسب به ویژه در شرایط رکود اقتصادی، از میزان سهام بیشتری در تامین منابع مالی مورد نیاز خود استفاده نمایند.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش، عملکرد مالی و محدودیت‌های تامین مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با توجه به نتایج حاصل گفتمانی است مدیریت سرمایه در گردش، نقش مهمی در بهبود عملکرد شرکت‌ها دارد و تا جایی که ممکن است شرکت‌ها با کاهش چرخه تجاری خالص برای خود می‌توانند ارزش آفرینی کنند. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که محدودیت مالی دارند، سرمایه‌گذاری در سرمایه در گردش کمتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که بدون محدودیت مالی هستند؛ در نتیجه، محدودیت مالی شرکت‌ها، عامل مهمی در سطح سرمایه‌گذاری سرمایه در گردش آن‌ها است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکتی، هزینه های نمایندگی با حساسیت سرمایه گذاری به وجه نقد پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد بین مسوولیت اجتماعی و حساسیت سرمایه گذاری به وجه نقد رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر شرکت ها با عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی بهتر، حساسیت سرمایه گذاری به وجه نقد کمتری دارند. همچنین نتایج حاکی از آن است که هزینه های نمایندگی شرکت ها باعث افزایش حساسیت وجه نقد می شود و این افزایش، اثر منفی مسئولیت اجتماعی شرکتی بر حساسیت سرمایه گذاری به وجه نقد را تعدیل می کند.

ونیریس و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر سرمایه فکری سازمان‌ها بر چسبندگی هزینه‌ها پرداختند. نتیجه پژوهش نشانگر تأثیر منفی سرمایه فکری سازمان‌ها بر چسبندگی هزینه‌ها دارد. بدین معنی که با افزایش سرمایه شرکت‌ها میزان چسبندگی هزینه‌ها کاهش می یابد و با کاهش سرمایه میزان چسبندگی افزایش می‌یابد.

فرمز و پراکاش (۲۰۱۶)، توسعه گزارشگری مسئولیت پذیری اجتماعی را بر روی شرکت‌های موجود در کشورهای اروپای شرقی و آمریکای شمالی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که گزارش های

اجتماعی منتشر شده شرکت‌های اروپایی، سطح پاسخگویی اجتماعی بالاتری نسبت به شرکت‌های آمریکای شمالی دارند. در اروپای شرقی کیفیت گزارش‌های اجتماعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما آنها در مقایسه با شرکت‌های مشابه در آمریکای شمالی، دارای موضوعات تفصیلی گزارشگری اجتماعی می‌باشند.

پارک و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و ریسک سیستماتیک پرداختند. نتایج تحقیق نشان دهنده این است که هر چه شرکت‌ها هر چه مسئولیت خود را نسبت به جامعه بیشتر انجام داده باشند میزان ریسک سیستماتیک کاهش خواهد یافت.

آنکور روی (۲۰۱۷) به بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی با نقش تعدیلی سرمایه فکری و مزیت رقابتی پرداختند. نتایج بررسی نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سرمایه فکری و مزیت رقابتی نقش تعدیلی بر رابطه بین سرمایه فکری و مزیت رقابتی دارند.

القول و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین ارزش شرکت و مسئولیت اجتماعی پرداختند. نتایج پژوهش که بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ انجام شده است نشان می‌دهد که با افزایش مسئولیت اجتماعی میزان ارزش شرکت افزایش می‌یابد. بنابراین بین ارزش شرکت و مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

موون و نودسن (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بدین معنی که با افزایش حاکمیت شرکتی میزان مسئولیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

در راستای دستیابی به هدف پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر طراحی می‌گردند:

فرضیه ۱: سرمایه فکری بر بهبود عملکرد شرکت‌ها تاثیر معناداری دارد.

فرضیه ۲: تعهدات اجتماعی بر رابطه بین سرمایه فکری و بهبود عملکرد شرکت‌ها نقش تعدیلی دارد.

۴- روش پژوهش

روش تحقیق از جهت هدف: با توجه با اینکه در این پژوهش از مدل‌ها، روش‌ها و نظریه‌های موجود در راستای حل مسئله یا بهبود وضعیت هستیم، بنابر این پژوهش فوق از جهت هدف، کاربردی است.

روش تحقیق از جهت روش استنتاج و گردآوری داده‌ها: با عنایت به اینکه در گردآوری داده‌ها از نمونه-گیری تصادفی استفاده خواهد شد، روش استنتاج در بیان مشاهدات نمونه، توصیفی و در تعمیم به جامعه تحلیلی است، بنابر این پژوهش فوق از جهت استنتاج، توصیفی-تحلیلی است.

روش تحقیق از جهت طرح پژوهش: نهایتاً با عنایت به اینکه داده‌های اصلی پژوهش بر مبنای عملکرد گذشته و داده‌های تاریخی مندرج در صورت‌های مالی بدست خواهد آمد، بنابراین پژوهش فوق از جهت طرح پژوهش، پس‌روبدادی است.

۵- جامعه و نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش

محدوده و فضای مطلوب پژوهشگر، جامعه آماری را مشخص می‌نماید. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه برداری در این پژوهش مبتنی بر روش حذف سیستماتیک می‌باشد. به این صورت که نمونه انتخابی شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ خواهد بود که شرایط زیر را داشته باشند:

- تا پایان سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی ن داده باشند.
- جزء گروه خاص از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی، بانک‌ها و لیزینگ نباشد.

۶- مدل و متغیرهای پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی تاثیر سرمایه فکری بر رعایت تعهدات اجتماعی و بهبود عملکرد در شرکتها است. بنابراین پژوهش حاضر از رگرسیون چندگانه به شرح زیر برای آزمون فرضیات استفاده خواهد کرد (بونتیس^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸):

$$\text{Performance}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{IC}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{Levi}_{i,t} + \beta_4 \text{MTBi}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱)$$

$$\text{Performance}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{IC}_{i,t} + \beta_2 \text{CRSi}_{i,t} + \beta_3 \text{CSR} * \text{IC}_{i,t} + \beta_4 \text{Size}_{i,t} + \beta_5 \text{Levi}_{i,t} + \beta_6 \text{MTBi}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۲)$$

متغیرهای پژوهش**مسئولیت اجتماعی (تعهدات اجتماعی) (Components of Corporate Performance):**

در این پژوهش، سطح افشای مسئولیت اجتماعی (CSR) است. برای اندازه‌گیری آن از ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی که شامل شاخص‌های کمک‌های خیریه و عام‌المنفعه، نظام اطلاعاتی مدیریت محیط زیست، خرید و نصب تجهیزات برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست، آموزش و رفاه و بهداشت کارکنان، اقداماتی جهت کاهش انرژی، و کیفیت محصولات است، استفاده می‌شود. در صورتی که شرکتی هر کدام از شاخص‌های فوق را در گزارشات مالی و گزارشات سالیانه هیأت مدیره به مجمع عمومی افشاء نموده باشد متغیر مجازی یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود. بعد از تعیین صفر و یک‌ها از همه متغیرها میانگین گرفته و از میانگین این داده‌ها برای هر شرکت به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود (التونر و همکاران، ۲۰۱۵).

سرمایه فکری (Intellectual Capital):

متغیر سرمایه فکری از نسبت کیوتوبین حاصل می‌شود (التونر و همکاران، ۲۰۱۵). نسبت کیوتوبین به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

¹⁰ Bontis

کیوتوبین = ارزش دفتری کل دارایی ها / (ارزش دفتری کل بدهی ها + ارزش بازار سهام عادی)

عملکرد شرکت‌ها (Financial performance):

در این پژوهش، عملکرد شرکت‌ها، متغیر وابسته می باشد که برای محاسبه آن از معیار بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) استفاده می شود. این نسبت بیانگر بازده سرمایه گذاری سهامداران شرکت می باشد و برای تشخیص توانایی مدیریت در کسب سود از حقوق صاحبان سهام استفاده می شود (عرب مازار یزدی و طاهرخانی، ۱۳۹۰).

متغیرهای کنترلی:

متغیرهای کنترلی مورد استفاده در این تحقیق به شرح زیر می باشند:

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت برای سنجش اندازه استفاده می شود.

اهرم مالی (Lev): اهرم مالی شرکت برابر است با تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی های شرکت.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB): از تقسیم ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام بدست می آید.

۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه اول

جدول ۱ نتایج حاصل از تخمین مدل

متغیرها	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره آزمون t	احتمال
سرمایه فکری	-۰/۰۱۱۴	۰/۰۰۲	-۳/۸۹۵	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۰۵۵	۰/۰۱۹	۰/۲۸۶	۰/۷۷۴
اهرم مالی	۰/۴۰۶۴	۰/۲۰۵	۲/۰۰۲	۰/۰۴۷
ارزش بازار به دفتری سهام	-۰/۰۰۰۵	۶/۷۳E-۰۵	-۷/۹۲۵	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۰/۰۴۲۶	۰/۱۱۳	۰/۳۷۵	۰/۷۰۷
ضریب تعیین	۰/۸۰۳	آماره F	۱۴/۷۸۵	دوربین - واتسون
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۸۰	احتمال F	۰/۰۰۰	۱/۹۷۹

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری مربوط به آماره **t** متغیر مستقل بیانگر این است که این رابطه از لحاظ آماری معنادار است. همچنین با توجه به این که سطح معناداری متغیرهای مستقل نیز کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه پژوهش براساس آمار (آماره **t**) و از لحاظ معنایی معنادار است که در نتیجه نشان دهنده تایید شدن فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. سطح مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم

مالی و ارزش بازار به دفتری سهام رابطه منفی و معناداری با عملکرد دارند؛ در حالی که رابطه اندازه شرکت و عملکرد معنادار نشد.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه صفر آماری که همان بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) است، رد می‌شود و مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. در این مدل، ضریب تعیین برابر با $۰/۸۰۳$ است. یعنی $۸۰/۳$ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی قابل توضیح است. همچنین، مقدار آماره دوربین-واتسون مدل که برابر با $۱/۹۷۹$ است، در فاصله بین $۱/۵$ و $۲/۵$ قرار دارد و نشان‌دهنده این است که بین اجزاء اخلاط خودهمبستگی وجود ندارد.

فرضیه دوم

جدول ۲ نتایج حاصل از تخمین مدل

متغیرها	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره آزمون t	احتمال
سرمایه فکری	$-۰/۰۰۰۸$	$۰/۰۰۰۴$	$-۲/۰۰۰۴$	$۰/۰۳۷$
تعهدات اجتماعی	$-۰/۰۰۲۱$	$۰/۰۰۰۸$	$-۲/۶۱۲$	$۰/۰۰۹$
سرمایه فکری*تعهدات اجتماعی	$۰/۰۰۰۹$	$۰/۰۰۰۴$	$۲/۰۳۳$	$۰/۰۴۲$
اندازه شرکت	$۰/۰۰۰۵$	$۰/۰۰۰۱$	$۳/۴۸۰$	$۰/۰۰۰$
اهرم مالی	$-۰/۰۰۰۵$	$۰/۰۰۰۳$	$-۱/۶۱۰$	$۰/۱۰۷$
ارزش بازار به دفتری سهام	$۹/۲۹E-۰۵$	$۶/۵۲E-۰۵$	$۱/۴۲۴$	$۰/۱۵۴$
مقدار ثابت	$-۰/۰۰۰۸$	$۰/۰۰۱۳$	$-۰/۶۴۳$	$۰/۵۲۰$
ضریب تعیین	$۰/۷۸۷$	آماره F	$۹/۲۴۰$	دوربین-واتسون
ضریب تعیین تعدیل شده	$۰/۷۷۷$	احتمال F	$۰/۰۰۰$	$۲/۳۶۱$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری مربوط به آماره t متغیر مستقل بیانگر این است که این رابطه از لحاظ آماری معنادار است. همچنین با توجه به این که سطح معناداری متغیرهای مستقل نیز کمتر از $۰/۰۵$ است بنابراین فرضیه پژوهش براساس آمار (آماره t) و از لحاظ معنایی معنادار است که در نتیجه نشان دهنده تأیید شدن فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. با ورود متغیر تعدیلی تعهدات اجتماعی نقش تعدیلی بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد دارد. سطح مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با عملکرد دارد؛ در حالی که رابطه اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به دفتری سهام با عملکرد معنادار نشد.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه صفر آماری که همان بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) است، رد می‌شود و مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. در این مدل، ضریب تعیین برابر با $0/787$ است. یعنی $78/7$ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی قابل توضیح است. همچنین، مقدار آماره دوربین-واتسون مدل که برابر با $2/361$ است، در فاصله بین $1/5$ و $2/5$ قرار دارد و نشان‌دهنده این است که بین اجزاء اخلاص خودمبستگی وجود ندارد.

۸- نتیجه گیری

فرضیه اول)

سطح معناداری مربوط به آماره t متغیر مستقل بیانگر این است که این رابطه از لحاظ آماری معنادار است. همچنین با توجه به این که سطح معناداری متغیرهای مستقل نیز کمتر از $0/05$ است بنابراین فرضیه پژوهش براساس آمار (آماره t) و از لحاظ معنایی معنادار است که در نتیجه نشان دهنده تایید شدن فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. سطح مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم مالی و ارزش بازار به دفتری سهام رابطه منفی و معناداری با عملکرد دارند؛ در حالی که رابطه اندازه شرکت و عملکرد معنادار نشد.

فرضیه دوم)

سطح معناداری مربوط به آماره t متغیر مستقل بیانگر این است که این رابطه از لحاظ آماری معنادار است. همچنین با توجه به این که سطح معناداری متغیرهای مستقل نیز کمتر از $0/05$ است بنابراین فرضیه پژوهش براساس آمار (آماره t) و از لحاظ معنایی معنادار است که در نتیجه نشان دهنده تایید شدن فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. با ورود متغیر تعدیلی تعهدات اجتماعی نقش تعدیلی بر رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد دارد. سطح مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با عملکرد دارد؛ در حالی که رابطه اهرم مالی و نسبت ارزش بازار به دفتری سهام با عملکرد معنادار نشد.

➤ پژوهش حاضر با پژوهش انکور روی (۲۰۱۷) و موون و نودسن (۲۰۱۸) مطابقت دارد.

پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش

در راستای تحقیق انجام شده و نتایج بدست آمده از آن برخی از پیشنهادها پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

➤ به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران توصیه می‌شود در تحلیل صورت‌های مالی شرکت‌ها، به فاصله بین ارزش بازار و دفتری سهام توجه کنند.

➤ به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود در مبادله سهام شرکت‌ها، به میزان تعهدات اجتماعی توجه کنند.

➤ به تحلیلگران پیشنهاد می‌شود در تحلیل متغیرها نحوه اندازه‌گیری آن‌ها را مورد توجه قرار دهند.

➤ به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در مدیریت امور به مسئولیت‌های اجتماعی که به آن‌ها سپرده شده است بیشتر توجه کنند تا در نهایت عملکرد آن‌ها تحت تاثیر قرار گیرد.

➤ به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود سود شرکت را بیشتر مورد توجه قرار دهند تا در نهایت بیشترین بازده را کسب کنند.

منابع

۱. آذر، عادل و مومنی، منصور، (۱۳۸۱)، «آمار و کاربرد آن در مدیریت»، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی (سمت).
۲. آذر، عادل و مومنی، منصور. (۱۳۸۹). «آمار و کاربرد آن در مدیریت»، جلد اول، چاپ چهاردهم، انتشارات سمت، تهران.
۳. افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). «تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی». تهران، نشر ترمه، چاپ اول.
۴. پیندیک، رابرت و روبینفیلد، دانیل، (۱۳۷۰)، «الگوهای اقتصادسنجی و پیش‌بینی‌های اقتصادی»، محمدامین کیانیان، انتشارات سمت.
۵. خاکی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، «روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی»، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور.
۶. ذوالنور، حسین، (۱۳۷۴)، «مقدمه‌ای بر روش‌های اقتصادسنجی»، دانشگاه شیراز، شیراز.
۷. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه، (۱۳۸۵)، «روش‌های تحقیق در علوم رفتاری»، نشر آگه، تهران.
۸. سعیدی، علی و شیرینی قهی، امیر، (۱۳۹۱)، «ساختار مالکیت و عملکرد شرکت‌ها (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)»، فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۸، سال پنجم.
۹. شورورزی، محمدرضا و آزادوار، ایمان، (۱۳۸۹)، «تجزیه و تحلیل ارتباط میان فرصت‌های سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌ها»، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ششم.
۱۰. صادقی، حسین و رحیمی، پریرسا، (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس با استفاده از سیستم معاملات همزمان»، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۰۲-۸۹.
۱۱. عرب مازار یزدی، محمد و طاهرخانی، رضا، (۱۳۹۰)، «تاثیر ترکیب هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۹، صص ۱۱۳-۹۷.
۱۲. فاریابی، محمد؛ صنوبر، ناصر؛ قدرتی، اکبر و میداندار، فهیمه، (۱۳۹۳)، «بررسی تاثیر اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) بر مصرف مسئولانه»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره ۲، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۹.
۱۳. فروغی، داریوش؛ فرهنگ، شکوفه و ابراهیمی، محمود، (۱۳۹۰)، «رابطه نقدشوندگی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۵، سال چهارم، صص ۱۴۳-۱۲۵.
۱۴. کریمی مزیدی، احمدرضا؛ اسلامی، قاسم و ناجی عظیمی، زهرا، «نقش قابلیت‌های دانش محور در عملکرد شرکت‌ها، از دیدگاه قابلیت‌های سازمانی (مدل قابلیت‌های سازمانی دانش محور- عملکرد)»، فصلنامه پژوهش و توسعه فناوری، سال سوم، شماره ۶.
۱۵. مجتهدزاده، ویدا، (۱۳۹۰)، «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در کاهش فقر: شاخص‌های عملکرد اجتماعی و نقش انگیزه در بکارگیری آن‌ها»، بورس اوراق بهادار، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۲۳۶-۲۲۱.

16. منابع خارجی

17. Bagnoli, M., Watts, S., (2010). **Oligopoly, Disclosure, and Earnings Management**. The Accounting Review, 85(4), 1191-214.
18. Buckley, P. J., Pass, C.L. and Prescott, K. (1988), **Measures of international competitiveness: A critical survey**. , Journal of marketing Management, Vol. 4, No. 2, 175-200.
19. Christian Andres, (2008), **large shareholders and firm performance- An empirical examination of founding-family ownership**, Journal of Corporate Finance 14(431-445).
20. Clarkson, P.M., Li, Y., Richardson, G.D., Vasvari, F.P., (2008). **Revisiting the relation between environmental performance and environmental disclosure: an empirical analysis**. Accounting, Organizations and Society 33 (4-5), 303-327.
21. Dimitris Magaritis, Maria psillaki, (2010), **Capital structure ownership and firm performance**, Journal of Banaking and Finance 34(621-632).
22. Gujarati, d., (2004), **basic econometrics**, Antonioan thony Liverpool.
23. Lank, E. (1997). **Leveraging invisible assets: The human factor**, Long Range Planning. Vol. 30 No. 3, pp. 406-412.
24. Mishra, Dev R., Sadok El Ghoul. , Omran Guedhami. , Chuk C. Y. Kwok., (2011). **Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital?**. Journal of Banking & Finance, Vol. 35, Issue 9, pp. 2388-2406.
25. OECD (1996), **Industrial competitiveness**, OECD, Paris.
26. Panayiotis C. Andreou, Daphna Ehrlich and Christodoulos Louca, (2013), **Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis**, www.efmaefm.org.
27. Park, Sungbeen, Sujin Song, Seoki Lee. (2017). **corporate social responsibility and systematic risk of restaurant firms: The moderating role of geographical diversification**, Tourism. Management 59 (2017) 610e620.
28. Samy, Martin; Odemilin, Godwin; Bampton, Roberta. (2010). **corporate social responsibility: a strategy for sustainable business success. An analysis of 20 selected British companies**, Journal of Corporate Governance, 10 (2), 203-217.
29. Sandhu, H S; Kapoor, Shveta. (2010). **Corporate social responsibility initiatives: An analysis of voluntary corporate disclosure**. South Asian Journal of Management, 17 (2), 47-80.
30. Scott, W.R. (1985). **National strategies: key to international competition**. Competitiveness in the World Economy, Harvard Business School Press, Boston.
31. Shleifer, A. (2004). **Does Competition Destroy Ethical Behavior?** American Economic Review, Vol. 94, No. 2, pp. 18-41.
32. Tan, H. P., Plowman, D., Hancock, P. (2012). **Intellectual Capital and Financial Returns of Companies**. Journal of Intellectual Capital. No 1. 76-95